



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی
مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی
با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



مهارت آموزی در دانش آموزان براساس ساحت زیبا شناختی و هنری

الهام شریفی فرد^۱، مینا خیال پرست^۲

^۱ کارشناس آموزش ابتدایی-آموزگار آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر-mosavi.2013@yahoo.com

^۲ کارشناس آموزش ابتدایی-آموزگار آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر-modavi.2013@yahoo.com

چکیده:

هنر پدیده ای است پیچیده و در عین حال روحانی، که از ابتدا با بشر همزاد بوده است. چه آن انسان هایی که در غارها زندگی می کردند و چه انسان هایی که امروز در دنیایی مملو از اضطراب و نگرانی دست و پا می زنند هنر را وسیله ای برای تشریح خاطر خود برگزیده اند. بر اساس همین نیاز است که هنر به عنوان یکی از موضوعات قابل آموزش در تمامی نظام های آموزشی مطرح است. سبیری در تاریخ هنر نشان می دهد که رویکردهای متفاوتی در آموزش هنر مطرح بوده که از ارزش گذاری «هنر برای هنر» گرفته تا «هنر برای خدمت رسانی به سایر رشته ها» و «هنر برای پرورش مهارت ها و تولید آثار هنری» در نوسان است. هدف پژوهش حاضر بررسی میزان توجه به ساحت های زیبا شناختی و هنر و تاثیر آن بر مهارت آموزی دانش آموزان پایه دوم ابتدایی مدرسه ایمان واقع در بندر ماهشهر است. لذا در این مقاله ضمن بررسی این رویکردها و نظرات آنها، به معرفی روش تربیت هنری پرداخته شده و با توجه به این که اخیرا این روش در مدارس معرفی شده و در سال 99 به صورت آزمایشی در این مدرسه، با ارائه آموزش ضمن خدمت به معلمان، اجرا شده، این پژوهش به بررسی تأثیر این روش بر فعالیت های هنری (نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و نمایش) و مهارت های فرآیندی (تفکر، تعامل، مشارکت، مهارت آموزی، همکاری، نظم، دقت، و خلاقیت هنری) دانش آموزان پایه دوم ابتدایی پرداخته است. روش پژوهش نیمه تجربی بوده، بدین ترتیب که با دو کلاس پسرانه دوم الف و دوم ب که هرکدام 22 نفر هستند را به دو گروه تقسیم نموده ایم. نتایج بیانگر آن است که دانش آموزانی که با روش تربیت هنری آموزش دیده بودند نسبت به دانش آموزانی که با روش سنتی آموزش دیدند هم از لحاظ فعالیت های هنری و هم از لحاظ مهارت های فرآیندی عملکرد بهتری داشتند و تفاوت عملکرد آنها در هر دو بعد در سطح بالایی معنادار بوده است.

کلیدواژه ها: مهارت آموزی دانش آموزان، رویکرد تربیت هنری، فعالیت های هنری



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



مقدمه

هنر به عنوان تابعی از مختصات ادوار گوناگون و نماد ظاهری وضعیت اجتماعی و باورهای مردمی همواره از جایگاه خاصی در میان اقشار مختلف برخوردار بوده است و زیبایی به مثابه مهمترین رکن هنر نشانگر توانگری و استغنای طبع آدمی است (شرفی، 1393). هنر بیانگر خصیصه ای است که 1 جامعه را تعریف میکند و تفاوتها و دگرگونی های جامعه را به تصویر می کشد. هر فرهنگ و تمدنی خودش را از طریق هنر ابراز می کند. موضوع هنر به عنوان پیامد و نتیجه تفکر انسانی و مهارت خلاق تصویرگری می شود؛ بنابراین شکل هنر بیانگر ماهیت جامعه بستر ساز آن میباشد از میان ویژگی های مهم هنر در زندگی بشر، می توان به نقش غیرقابل انکار آن در تربیت انسانهایی متعادل و شاداب اشاره کرد. اما به اذعان برخی صاحب نظران تربیتی، هنر هنوز نتوانسته به جایگاه واقعی خویش در عرصه تعلیم و تربیت دست یابد (Abaci، 2113). عرصه تعلیم و تربیت از مهم ترین زیرساخت های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه های مختلف است. تعلیم و تربیت دارای کارکردهای مختلفی از جمله علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. از این رو موضوعی مهم و ابزاری موثر و کارآمد برای توسعه علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شناخته می شود (مرزوقی، 1384: 93 و کاظمی، 1387: 2). همچنین لزوم هماهنگی با حرکت شتابان و تحولات سریع اجتماعی و بهره گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر، تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت کشور را بیش از پیش نمایان نمود.

بیان مساله

عصر کنونی را دوره انفجار اطلاعات دانسته اند. انبوه دانش موجود به اندازه ای است که انتقال تمامی آن تقریباً غیر ممکن و انتقال بخشی از آن به سهولت ممکن نیست. نظام آموزشی برای استفاده مناسب از این دانش انبوه، حل مسایل زندگی اجتماعی و فردی باید رویکرد مناسب با این امر را انتخاب کند. نظام های آموزشی در جوامع مختلف بر حسب نوع نگاهی که به انسان، قابلیت ها، صفات و ویژگی ها و نیازهای وی از یکسو و تغییر و تحولات و دستاوردهای علمی، چگونگی تولید و انتقال دانش به نسل بعدی دارند، رویکردهای متفاوتی را برای تعلیم و تربیت آن جامعه بر می گزینند. از این رو، دست کم چند پایگاه نظری وجود دارد که بر غفلت نظام های آموزشی از زیبایی شناسی در برنامه درسی تاثیر گذاشته اند 1- اکثر نظام های آموزشی با تاثیر از مکتب روانشناسی قوای ذهنی کارکرد اصلی برنامه درسی و مدرسه را ایجاد فضا و فرصت برای تقویت توانایی های ذهنی و عقلانی دانش آموزان می دانند و بدنبال این هستند دانش آموزان را مجهز به توانایی ها و مهارت هایی جهت حل مسایل و مشکلات خود در بزرگسالی نمایند. شاید بتوان گفت که تاکید بیش از حد طرفداران خردگرایی بر روایتی خاص از فهم و ادراک علت اصلی نابسامانی تعلیم و تربیت است، در واقع از زمانی که انسان خود و محیطش را شناخت، هنر به عنوان رکنی از ارکان زندگی مطرح بوده است. هنر همواره به یاری انسان شتافته است، چه آن زمان که انسان اولیه بر دیوار غارها برای خود راه یافت تا از طریق آن به مقابله با ضعف ها و ناآگاهی های خویش بپردازد و یا بر ترس از فنا و نیستی غلبه کند و چه اکنون که انسان در دنیایی از اضطراب و نگرانی ها دست و پا می زند (غفاری، 1364). از آنجا که امروزه در مدارس و مراکز آموزشی کشورمان تربیت هنری جدی گرفته نمی شود و در برنامه های درسی، هنر از جایگاه مناسب و شایسته ای برخوردار نیست؛ به عبارت دیگر با توجه به غفلت از ظرفیت های قابل توجه تربیت هنری در شرایط کنونی، در این پژوهش سعی شده است که با مطالعه ظرفیتی که از آموزش با رویکرد تربیت هنری حاصل می شود، به بررسی عملکرد دانش آموزان در فعالیت های هنری، شامل نقاشی، کاردستی، قصه، نمایش و تربیت شنوایی بپردازیم و همچنین بررسی مهارت های فرایندی ایشان را که شامل کلیه مهارت هایی است که آنان در فرایند یادگیری فعال کسب می



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



کنند و از جمله عبارت است از مهارت های تفکر، مشارکت، تخیل و خلاقیت، مدنظر قرار دهیم و عملکرد آنان را در مقایسه با روش های سنتی و معمول در مدرسه، که بیشتر بر منبای الگوبرداری و تقلید است، بررسی کنیم.

اهمیت موضوع

از آنجا که ما در دوران خاصی قرار گرفته و یا در حال قرار گرفتن هستیم که در آن، ویژگی های جدیدی نسبت به گذشته در حال ظهور است. پویایی هر نظام تربیتی، در این است که اصول، روش ها و کارکردهای خود را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته هایش را با دگرگونی شرایط محیطی تطبیق داده و زنده نگه دارد. اگر یک نظام تربیتی بدون توجه به دگرگونی شرایط محیطی بخواهد از اصول و شیوه های معینی، به صورت ثابت برای همه زمان ها و مکان ها استفاده کند، لاجرم محکوم به فناست. بنابراین نظام تعلیم و تربیت ما که خصیصه اسلامی بودن دارد چرا که فرهنگ کشور ما فرهنگ دینی و اسلامی است و تربیت ما به یک معنا دینی خواهد بود؛ آیا این تربیت دینی با قرار گرفتن در فضای جدید و تحول شرایط نسبت به گذشته، بقاء خواهد داشت یا خیر؟ از این گذشته، چالش هایی از قبیل بی انگیزگی فراگیران نسبت به درس و مدرسه، بی علاقه ای آنان به یادگیری محتوای درسی، ابراز خوشحالی از تعطیلی ناهنگام و طبق تقویم آموزشی مدارس، نارضایتی از در معرض امتحان و آزمون قرار گرفتن، فراموشی زود هنگام مطالب آموخته شده توسط فراگیران، توفیق اندک نظام آموزشی در تربیت شهروندی و تربیت دینی و ... نشان می دهد نظام آموزشی ما روز به روز کارایی خود را بیشتر از دست می دهد. انتظارات فراگیران، معلمان، جامعه، والدین و حتی انتظارات نظام آموزشی برآورده نمی شود و از آنجا که زمان آموزش نیز محدود می باشد و فراگیران مادام العمر نمی توانند در نظام آموزشی بمانند. از اینرو، صاحب نظران تعلیم و تربیت معتقدند زمان محدود برنامه درسی نباید صرف آموزش موضوعات حاشیه ای و فرعی شود ولی تعیین و تشخیص موضوعات با اهمیت از موضوعات حاشیه ای مستلزم پاسخگویی به این سوال قدیمی هربرت اسپنسر است که «چه دانشی ارزشمندترین است؟». اسپنسر خود در پاسخ به این سوال با قطعیت و بدون اندکی تردید اعلام می کند که علم، دانش بسیار با اهمیتی است که بالاترین و بیشترین ارزش را دارد. انتقاد یون نیز معتقدند مدرسه مهارت های شناختی را به کودک آموزش می دهد اما معلوم نیست آیا این مهارت ها می توانند رابطه بین آموزش و پرورش، تربیت شهروندی، علاقه و گرایش فراگیران، انتظارات والدین، جامعه، موقعیت شغلی و درآمد را تبیین کنند یا نه. بزعم انتقاد یون «مدرسه به دانش آموزان به جای اینکه یاد دهد که برای خودشان فکر کنند، به آنها یاد می دهد که با ارزش های بازرگانی و تجاری موجود سازگاری یابند. دانشمندان در نقش یک هنرمند و یا فردی است که کارهای دستی انجام می دهد، فردی که می تواند به مواد و اندیشه ها شکل دهد. ایجاد یک چیزی یک خلق است، و برای خلق کردن به صورت مطلوب و خوب فرد باید به ابعاد هنری بپردازد، و در صورتی که فرد به ابعاد هنری بپردازد، ملاحظات و معیارهای زیباشناختی تا حدودی مطرح می شوند (Eisner, 2015). از مطالب بالا استنباط می شود که لازم است سیاستگذاران، محققان، معلمان کلاس درس به جایگاه تربیت زیبایی شناسی بعنوان یک رویکرد یا بستری برای برنامه درسی بیشتر توجه کنند. زیرا برخی قلمروهای برنامه درسی با چالش های مشابهی روبرو هستند و مرتبا با بحث های مربوط به یادگیری زیبایی شناسی هر روز برخورد می کنند. علاوه بر این، ما باید به خودمان یادآوری کنیم که چالش های یادگیری زیبایی شناسی شاید ناشی از این است که مردم با آن بعنوان بخشی از تجربه انسانی برخورد می کنند. با وجود اهمیت رویکرد زیبایی شناسی در برنامه درسی، تصور می شود که در ادبیات تعلیم و تربیت و برنامه درسی، زیبایی شناسی در اثر توجه فلاسفه و صاحب نظران غربی درباره اهمیت و نقش هنر و زیبایی در تعلیم و تربیت بوده است ولی این مفاهیم در تربیت اسلامی همچنان مغفول مانده است: زیبایی شناسی اگرچه از موقعیت مهمی در فلاسفه و جهان بینی اسلامی برخوردار است اما به دلایل مختلف تاریخی، علمی و اجتماعی تضعیف شده و در سطح مباحث نظری و ادبی باقی مانده و تقریبا هیچ نقشی در علوم اسلامی و انسانی به خصوص تربیت اسلامی در عصر ما ایفا نکرده است (علیق، 1391، ص 8) این در حالیست که ادبیات ملی و اسلامی ماسرشار از تجربه



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



های تربیتی زیبایی شناسانه است. اهداف از ساخت زیبا شناختی و هنری پرورش حواس و قدرت تخیل در دانش آموزان زیبا سازی محیط زندگی و پیراستن آن از زشتی های معنوی اخلاقی و زیست محیطی توسعه فضای سبز در مدارس و ترویج فرهنگ مدرسه زیبا با مشارکت دانش آموزان اولیا سازمان ها و ارگان ها آشنایی با جهان هستی و بیان آن به زبان هنر ترویج و اجرای فعالیت های فرهنگی و هنری در فضای مدارس غنی سازی آموزش های مدرسه ای با ارائه فعالیت های فرهنگی و هنری در فوق برنامه مدارس آموزش شیوه های صحیح ارتباط بین فردی و اجتماعی تقویت مهارت های کلامی و گفتاری دانش آموزان در برقراری ارتباط با دیگران است.

سؤالات پژوهش

- ۱- آیا آموزش با رویکرد زیباشناختی و هنری نسبت به روش سنتی تأثیر بر افزایش مهارت آموزی دانش آموزان دارد؟
- ۲- آیا آموزش با رویکرد زیباشناختی و هنری نسبت به روش سنتی تأثیر بیشتری بر فعالیت های هنری دانش آموزان دارد؟
- ۳- آیا آموزش با رویکرد زیباشناختی و هنری نسبت به روش سنتی تأثیر بیشتری بر ایجاد انگیزش جهت یادگیری در دانش آموزان دارد؟

انواع ساحت های تعلیم و تربیت: تربیت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی -تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی -تربیت زیستی و بدنی -زیباشناختی و هنری -اقتصادی و حرفه ای -علمی و فناورانه

پیشینه تحقیق

کانت هنر را ملازم با آزادی می داند و معتقد است که عنوان هنر را باید به چیزهایی اعطا کرد که به آزادی وجود آمده اند؛ یعنی مخلوق اراده ای هستند که برهان و منطق هادی آن است. به زعم Gardner⁽²¹¹¹⁾ هنر قسمتی از نیروی خلاقیت انسان است که وی از طریق آن با دیگران ارتباط برقرار می سازد (به نقل از قطبی، 1352). هنر در برگرفته آن بخش از بداعت و خلاقیت انسان است که طی آن فرد با استفاده از مواد و وسائل هنری و دستی، عواطف، اندیشه ها و احساسات خود را که نشئت گرفته از تفسیر بصری تجارب محیطی است به دیگران منتقل می کند. البته، موفقیت در این کار به میزان تبحر و هنرمندی فرد برای برقراری این انتقال و ارتباط بستگی دارد (امینی، 1386). هنر با همه گستردگی و در تمامی جلوه هایش بیانگر وجود قابلیت و زمینه ای در آدمی است که رشد و بروز آن مستلزم فعالیتی منظم و هدفمند، یا به عبارتی، جریانی است که آن را تربیت هنری می نامیم (Moroye²¹¹¹)، تربیت هنری را ناظر بر آموزش حواس مختلف، رشد تجارب حسی و لمسی، حساسیت و برخورد عمیق با جلوه های بصری هنری و نقادی هنرمندانه می داند. در واقع از نظر وی «تربیت هنری شامل آموزش اساسی حواس و رشد آگاهی متعالی از تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و نیز رویکرد آگاهانه نسبت به تصورات بصری در نقاشی، مجسمه سازی، هنرهای تزئینی و آموزش در زمینه کاربرد و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری می باشد. اما به اعتقاد (برودی، 1977) هنرها دستیابی انسان را به دانش، بصیرت، ارزش ها و معانی (برای مثال درون بینی، تعالی روحی و احساس ذوقی) که در هیچ یک از حوزه های محتوایی دیگر برنامه درسی وجود ندارد، فراهم می آورند. به همین دلیل است که هدف از آموزش هنر، خصوصا در مدارس، هنرمند شدن دانش آموزان نیست بلکه تنها به منظور تقویت شناخت دانش آموز از پیرامون خویش است (کشاورز و دیگران، 1386). همان طور که ملاحظه می شود، این تنوع تعاریف نشان دهنده نوع نگاه و رویکردهای مختلف به آموزش هنر می باشد. که از آموزش هنر برای هنر، تا استفاده ابزاری از هنر در پرورش مهارت ها و نهایتا دیدگاه تولیدی در نوسان اند. آیزنر نیز در کتاب



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



ها و مقالات خود به طور مفصل به بررسی نقش و جایگاه تربیت هنری در نظام آموزشی پرداخته است. او که امروزه به تعبیری سردمدار به رسمیت شناختن جایگاه هنر در برنامه های درسی مدارس است، ضمن نقادی وضعیت موجود، تصریح می کند که هنر و آموزش آن در مدارس به جد گرفته نمی شود و از نقش فرعی و حاشیه ای برخوردار است، به گونه ای که کم ترین و بدترین زمان ممکن در برنامه هفتگی به این درس اختصاص داده می شود (آیزنر، 1989). وی می گوید: مهم ترین اهداف و کارکردهای تربیت هنری در چهار مقوله تولید هنری، نقادی هنری، تاریخ هنر و زیبایی شناسی خلاصه شده است. او یادآوری می کند که «تدریس نظام یافته و متوالی این چهار مقوله، که انسان ها در زمینه هنر با آن سر و کار دارند، دارای اهمیت و ارزش است. آنها آثار هنری را تولید می کنند، هنر را مورد قدرشناسی و ارزشگذاری قرار می دهند، ارتباط آن را با فرهنگ و تاریخ درک می کنند و نهایتاً آن که

قضاوت هایی را درمورد هنر ارائه می دهند» (به نقل از راینهارتس و بیچ، 1997). به همین دلیل رویکرد برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی باید «رویکرد تربیت هنری» باشد. یعنی انجام دادن فعالیت های هنری در فضایی که کودکان آزادانه تخیل و اندیشه کنند، حواسشان تقویت شود، ظرفیت های نهفته هوش و تفکرشان پرورش یابد، عواطف و احساساتشان توسعه یابد و استعداد و خلاقیت هایشان شکوفا گردد و بدین ترتیب به تربیت هنری آنان منجر شود. به جرأت می توان گفت که همه کودکان، فعالیت های هنری را دوست دارند. آنها در این گونه فعالیت ها و هنگام انجام دادن کارهای عملی، طراحی و ساختن، شکست و پیروزی را تجربه می کنند. به این ترتیب، زمینه ای برای بروز خلاقیت و احساسات آنها فراهم می شود (نواب صفوی، 1387). کاسر در پژوهشی به شیوه کیفی با 31 معلم پیش دبستانی زن با تجربه کاری 2 تا 11 سال نشان داد به نظر معلمان تقویت مهارت های حرکتی ظریف در برنامه های آموزشی فرصت ابراز وجود برای کودکان ندارد و توجه درباره چگونگی تقویت ابراز وجود از طریق آموزش های هنری به کودکان ضروری است (Kocer, 2012). نگاه اسلامی در تبیین تربیت زیبایی شناسی مبانی روانشناختی و زیستی تربیت بر وجود قابلیت ها و استعداد های ذهنی و هوشی متنوعی در دانش آموزان تأکید می کند که باید متناسب با این تنوع، مسیرهای گوناگون جهت بهره برداری از این قابلیت های فطری فراهم آید و تنها به روال متداول که در صد پرورش تعداد محدودی از استعداد های کلامی و منطقی ریاضی می باشد، بسنده نشود و با نگاهی جامع به انسان، امکان پرورش شخصیتی متوازن فراهم گردد. یکی از ابعاد وجودی انسان که در نگاهی جامع به او باید مورد توجه قرار بگیرد و نسبت به پرورش آن اقدام شود؛ بعد هنری و زیبایی شناختی انسان است (امینی، 1384) در واقع نتایج تحقیقات حاکی از این مسأله است که سیستم عصبی انسان علاوه بر توانایی یادگیری و پردازش محرک ها از مجرای منطقی - استدلالی، دارای ظرفیت یادگیری از مسیر عاطفه و توجه است. زیرا در یادگیری و حل مسئله نقش مهمی دارد. باید توجه داشت که تربیت هنری و زیبایی شناختی گستره وسیعی را در بر می گیرد که از حرکت شروع و به رشد عاطفی منجر شده و در نهایت به رشد و شکوفایی توجه منتهی می شود همان منبع. بطور کلی زیبایی شناسی در تعلیم و تربیت بویژه تعلیم و تربیت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است ولی توجهی که به این امر در نظام آموزشی شده به اندازه اهمیت آن نمی باشد. عبارتی نظام های آموزشی در نظر و عمل دچار تناقض شده است. تربیت زیبایی شناسی را بلحاظ نظری ارج می نهد ولی در عمل جایگاه و فضای لازم را برای حضور آن فراهم نمی نماید. در حالیکه تربیت زیبایی شناسی دارای فواید تربیت زیبایی شناختی است از جمله رشد خلاقیت، رشد تخیل و احساس، رشد تفکر انتقادی، رشد نگرش های مثبت، رشد خود باوری و خود کنترلی و ... است. هر کدام از این فواید در نظام آموزشی دارای موانع و محدودیت هایی است که نظام آموزشی باید زمینه برطرف کردن این موانع و تقویت فواید را فراهم نماید.

روش تحقیق و نمونه گیری



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



روش پژوهش حاضر نیمه تجربی است یعنی از روش تصادفی استفاده نشده است و بازه زمانی تحقیق در سال 1399-1411 است، ما برای نمونه گیری از دانش آموزان دو کلاس پایه دوم الف و پایه دوم ب استفاده شد و در این تحقیق ما برای آموزش دانش آموزان فقط در یکی از کلاس های پایه دوم الف از روش زیباشناختی و هنر استفاده کردیم و در کلاس دوم ب از روش زیباشناختی و هنر شده است تا بتوانیم با انجام این آزمایش به نتایج مطلوبی برسیم. جهت تعیین گروه آزمایشی و گروه کنترل، از میان دو کلاس پایه دوم مدرسه ایمان واقع در بندر ماهشهر استفاده شد. و میانگینی میان دانش آموزانی با سطح ضعیف تا متوسط و دانش آموزان ممتاز در هر دو گروه در نظر گرفته شد.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان پایه دوم الف و ب مدرسه ایمان واقع در بندر ماهشهر است. که در مجموع تعداد دانش آموزان 44 نفر و هر کلاس شامل 22 دانش آموز است.

روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش از آزمون t برای تفاوت بین گروه های کنترل و آزمایش و آزمون تحلیل واریانس دو راهه، جهت تأثیرات تعاملی متغیرها استفاده شده است، نحوه اجرا بدین صورت بود که در 5 جلسه، ابتدای شروع کلاس ها، در هر کلاس در 5 حیطة نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و نمایش، 2 ساعت جهت اجرای پیش آزمون در نظر گرفته شد جمعا به مدت 11 ساعت: $11=5 \times 2$ و ارزیابی فعالیت های هنری و مهارت های فرایندی درباره کلیه دانش آموزان در این کلاس ها انجام شد و میانگین های نمرات ایشان در هر بخش محاسبه و به عنوان نمره پیش آزمون ثبت شد. لازم به ذکر است که با احتساب ایام تعطیلات نوروز و امتحانات جمعا 21 ساعت جهت هر کلاس برنامه آموزشی اجرا گردید که ه جلسه آن مربوط به پیش آزمون در پنج حیطة فعالیت هنری بود؛ سپس در هر گروه آزمایشی و کنترل به تفکیک جنسیت، برای هر یک از این پنج حیطة 3 جلسه جهت آموزش متفاوت و سپس اجرای پس آزمون برنامه ریزی و اجرا گردید (جمعا به مدت 15 ساعت: $15=3 \times 5$). بدین صورت که به مدت 5 جلسه گروه آزمایشی تحت آموزش با رویکرد تربیت هنری و جلسه گروه کنترل به شیوه های گذشته آموزش دیدند و در این جلسات به وسیله چک لیست ها مورد ارزیابی قرار گرفتند که نمرات آن به عنوان پس آزمون منظور گردید. و در اختیار کلیه آموزگاران قرار گرفته است. همچنین نحوه ارزشیابی در هر حیطة نیز مشخص شده است. اجرای تدریس در گروه های آزمایشی توسط خود محقق انجام گرفت. وی همچنین حدود 6 سال آموزش ضمن خدمت درخصوص این رویکرد نزد اساتید متخصص رشته هنر در مرکز تربیت معلم گذرانده بود و علاوه بر آن از یکی همکاران خود که رشته تخصصی او و هنر می باشد و در مدت 12 سال به عنوان سرگروه هنر منطقه و مدرس دوره های ضمن خدمت این رویکرد را به کلیه آموزگاران پایه دوم دوره ابتدائی مدرسه ایمان مورد نظر آموزش داده است. بنابراین تخصص مورد نیاز برای ارائه مباحث هنری را بر اساس تجربه و آموزش داشته است.

ابزار جمع آوری داده ها



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



ابزار جمع آوری داده ها در این پژوهش پرسش نامه ای است که به صورت چک لیست فعالیت های هنری و مهارت های فرایندی از طرف دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش جهت سنجش عملکرد دانش آموزان در درس هنر، در کتاب روش تدریس هنر ارائه شده است. چک لیست عملکرد دانش آموزان شامل 21 مورد فعالیت هنری در ه زمینه، شامل نقاشی (حاوی چهار فعالیت در مورد جذاب بودن نقاشی، داشتن پیام، تنوع عناصر و تنوع رنگ)، (کاردستی) حاوی چهار فعالیت در مورد جذاب بودن، پیام داشتن، هماهنگی و تناسب در موارد مصرفی و تازگی، (تربیت شنوایی) حاوی 4 فعالیت در مورد تشخیص صداها، شناخت منابع تولید صداها، تشخیص صداها زیبا و خواندن سرود با ریتم، (داستان) حاوی چهار فعالیت در مورد ارائه داستان و خاطره به گونه ای جذاب، بیان عواطف با رفتار کلامی، بیان عواطف با رفتار غیر کلامی، و گوش دادن به داستان و خاطرات و نمایش (حاوی چهار فعالیت در مورد بازی نمایشی به گونه ای جذاب، بیان عواطف با نمایش، بیان موضوع مورد نظر با حرکات تقلیدی، و تنظیم شدت و تن صدا با موضوع و موقعیت). ده مورد نیز در مهارت های فرایندی شامل: تفکر، تعامل، مشارکت مسئولانه، همکاری، نظم، دقت، خلاقیت، پیشگامی در فعالیت ها و اهمیت به زیبایی کار، بود که نمره گذاری آن به صورت طیف بندی (نیاز به تلاش بیشتر، نزدیک به حد انتظار، در حد انتظار، بالاتر از حد انتظار) بوده که با نمره های 1 تا 4 امتیازبندی و ارزش گذاری و توسط آموزگار هنر پس از مشاهده عملکرد و اجرای کار در هر جلسه تنظیم شده است. حداکثر و حداقل نمره کسب شده از چک لیست توسط هر دانش آموز بین 31 تا 121 قابل محاسبه است. جهت سنجش پایایی پرسش نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی بخش های مختلف چک لیست از 1/71 بیشتر است؛ به عبارتی در بخش فعالیت های هنری آگروه آزمایشی (مقدار آلفای کرونباخ 1/95 و در بخش مهارت های فرایندی) گروه کنترل (1/78 به دست آمده که نشان از پایا بودن مقیاس است. علاوه بر آن، همبستگی سؤالات مربوط به هر بخش محاسبه و مشاهده شد که در بخش های مختلف ابزار پژوهش، مؤلفه های مربوط دارای همبستگی معنا داری در سطح خطای 1/15 هستند. نتایج حاصله از همبستگی افتراقی نشان می دهد که تمامی ضرائب همبستگی مقدارشان از 1/2 بیشتر است و در سطح 1/111 معنا دار شده اند، لذا روایی افتراقی سؤالات تایید گردید.

بررسی نتایج پژوهش

آیا آموزش با رویکرد زیباشناختی و هنری نسبت به روش سنتی تأثیر بر افزایش مهارت آموزی دانش آموزان دارد ؟
جهت بررسی سؤال اول پژوهش از آزمون تی گروه های مستقل استفاده شد. بدین صورت که ابتدا نمرات فعالیت های هنری دانش آموزان گروه آزمایش و گروه کنترل در حالت پیش آزمون مقایسه شد و سپس همین مقایسه درحالت پس آزمون انجام گرفت.

آیا آموزش با رویکرد زیباشناختی و هنری نسبت به روش سنتی تأثیر بیشتری بر فعالیت های هنری دانش آموزان دارد؟

همانطور که مشاهده میشود، با توجه به نتایج با میانگین 2/2 مقدار T محاسبه شده برای فعالیت های هنری دانش آموزان در حالت پیش آزمون مقدار 1/254 در سطح معناداری که با درجه آزادی 117 در سطح معنا داری نمی باشد. و در حالت پس آزمون با میانگین 3/16 مقدار T محاسبه شده 5/94 است که با درجه آزادی 117 در سطح معنا داری 1/111 معنا دار می باشد. آیا آموزش با رویکرد زیباشناختی و هنری نسبت به روش سنتی تأثیر بیشتری بر ایجاد انگیزش جهت یادگیری در دانش آموزان دارد؟ میانگین نمرات دو گروه کنترل و آزمایش به تفکیک سطح مشاهده می شود با توجه به F محاسبه شده برای متغیر سطح پیشرفت تحصیلی برابر است با درجه آزادی 1 در سطح 1/111 معنا دار نیست. سپس برای متغیر گروه که شامل گروه آزمایش و گروه کنترل میباشد مقدار F برابر است با 41/31 که است با درجه آزادی 1 در سطح 1/111 معنا دار است. به عبارتی در مرحله پس آزمون میان گروه های کنترل و آزمایش تفاوت معناداری



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



مشاهده شده است. سپس مقدار F محاسبه شده برای تأثیر تعاملی با توجه به سطح پیشرفت تحصیل با درجه آزادی 1 در سطح 1/111 معنا دار نمی باشد.

نتیجه گیری

تربیت درست و همه جانبه فرد و ملت ها در تحقق هدف های مادی و معنوی آن جامعه نقش اساسی دارد. در شرایط کنونی که نظام های آموزشی مسئولیت تعلیم و تربیت نسل جدید را به عهده دارند انتخاب رویکرد مناسب می تواند به این دغدغه ها پاسخگو باشد. بنابراین رویکرد زیبایی شناسی می تواند در حل برخی از معضلات آموزشی مفید و مناسب باشد. تربیت زیبایی شناسی نه تنها به تلطیف عواطف و تعالی بینش و تعادل احساسات آدمی یاری می رساند، یک حوزه معرفتی را نیز گسترش می دهد. صرف نظر از وجه شناختی یا عاطفی و رفتاری هنر و زیبایی شناسی، عدم توجه به آن در نظریه پردازی تربیتی بویژه تربیت اسلامی و همچنین عدم استفاده از آن در روش های تربیتی، در واقع بی توجهی به یکی از راه های شناخت انسان از جهان و پدیده های آن و نیز محروم ساختن افراد از توانایی ها، مهارت ها و تجربه هایی است که بعنوان دریافت و درک زیبایی شناسی از آن یاد می شود. لذا در این پژوهش سعی شد ضمن بررسی رویکردهای مختلف در تربیت هنری به مطالعه رویکرد زیباشناختی و هنری و تأثیر آن بر انگیزش دانش آموزان در این درس پرداخته شود. نتایج این پژوهش نشان دهنده آن است که نمره فعالیت هنری دانش آموزانی که با رویکرد زیباشناختی و هنری آموزش دیده اند با نمره فعالیت هنری دانش آموزانی که با روشهای گذشته آموزش دیده اند تفاوت معناداری دارد. همچنین معلوم شد که نمره کلی مهارت های دانش آموزانی که با رویکرد زیباشناختی و هنری آموزش دیده اند با دانش آموزانی که با روش گذشته آموزش دیده اند تفاوت معناداری دارد. و با توجه به این آزمایش نتایج نشان داد که ساحت زیباشناختی و هنری باعث تقویت مهارت آموزی در دانش آموزان می شود.

پیشنهادات

در تربیت زیبایی شناسی سطوح ارزشیابی محدود به امتحان نیست بلکه جامع و متوجه تمامی فعالیت ها، رفتارها و عملکرد فراگیر و روی تمامی ابعاد فراگیر از جمله احساس و عاطفه، میزان علاقه و نگرش، شناخت و نحوه رفتار؛ و با مشارکت خود فراگیر، همکلاسی ها، معلم، والدین، و دست اندرکاران است چون اجرای موفقیت آمیز این روش در درجه اول مستلزم اصلاح افکار و نگرش های معلمین درس هنر نسبت به موضوع و هدف اصلی این درس است، لذا در این راستا برگزاری همایش های متناسب با قلمرو هنر چه به صورت نظری و چه به صورت تدارک کارگاه های بازآموزی ضروری به نظر میرسد. در تربیت زیبایی شناسی ادراک عمیق موضوعات به همراه شور و نشاط باعث درک عمیق و همراه با عواطف و درک ارزش ها می شود که بخشی از رسالت تعلیم و تربیت است. فراگیران با توجه به سن و سال خود خیلی مقولات ارزشی و هنجاری را درک می کنند، احترام گذاشتن را می فهمند و دوست دارند که به شخصیت آنها احترام شود و هویت آنان بطور مستقل شناسایی شود و معلمان و دست اندرکاران مدرسه سعی نکنند همه چیز را به بچه ها تحمیل بکنند بلکه آنها دوست دارند با دلیل و منطق متقاعد شوند تا اینکه با اجبار و اکراه تسلیم شوند در مبحث تربیت هنری، به دلائل بسیار، هماهنگی با



mph.sdcongress.ir

هشتمین همایش بین المللی
مدیریت، روانشناسی و علوم انسانی
با رویکرد توسعه پایدار

8th International Conference on
Management, Psychology & Humanities with sustainable development approach



والدین و توجیه ایشان در مورد چرایی و چیستی و چگونگی تربیت هنری و نقش آن در افزایش توانمندیها ضروری است؛ لذا به عنوان اولین قدم به معلمان توصیه میشود که در آغاز سال تحصیلی طی یک جلسه والدین را توجیه کنند تا بتوانند از حمایتها و نقش ایشان در تربیت هنری سود جویند .

منابع

- [1] حسن اسلسبیلی، ۱۳۹۳. اثرگذاری فرصتهای یادگیری در تعامل نظریه و عمل برنامه درسی و آموزش هنر فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات سال یازدهم، شماره ۱۱-۹۶-۷۲.
- [2] محمادمینی، ۱۳۸۶. تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش چاپ اول، انتشارات آبیژ علیق.
- [3] محمدحسینی، ۱۳۹۰. تبیین دیدگاههای زیبایی شناختی ابوحنیف توحیدی در تعلیم و تربیت و نقد آرای زیباشناختی البیوت آیزنر براساس آن رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس
- [4] افسانه غفاری، ۱۳۶۴. آموزش هنر و نقش آن در رشد خلاقیت دانش آموزان پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- [5] محمد یوسف قطبی، ۱۳۵۲. پژوهش در تعریف هنر تهران: انتشارات زوار کشاورز.
- [6] حسین سلطانی، ۱۳۸۴. آموزش نقاشی و کار دستی . تهران: شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران.
- [7] مینا نواب صفوی، ۱۳۸۷. راهنمای درس هنر: تهران اداره کل چاپ و توزیع کتب درسی .
- [8] Reinhartz, R. 1997. Teaching and Learning in Elementary School. Princeton, NC: Merrill Co.
- [9] Abaci, O. 2013. Concept education by art education and an investigation on the opinions of teacher candidates about the different concept. Procedia -Social and Behavioral Sciences, 106(2013)690-695.
- [10] Kocer, Hale. 2012. The evaluation of the art activities applied in preschool education programs in terms of self-expression opportunity given to child. Akdeniz University, Faculty of Education, Department of Primary Education, Division of Preschool Education Antalya Turkey.
- [11] Eisner, E. 2005. Opening a shuttered window: an introduction to a Special Section on the Arts and the Intellect, Phi Delta Kappan, 87, 8-10
- [12] Broudy, H. 1977. How Basic is Aesthetic Education? Educational Leadership, (2), 134-141
- [13] Moroye, Christy M & Uhrmacher, P. 2010. Aesthetic Themes of Education; Conference Presentation Paper .
- [14] Gardner, H. 2000. Intelligence reframed: Multiple intelligence for 21 century. New York: Basic book.